

فصلنامه مدیریت شهری - شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
Modiriyat Shahri- NO.19. Spring 2008

۴۶-۲۹

ضرورت بازبینی یک مفهوم : بازخوانی هویت در کاربرد مصالح ساختمانی در نماهای شهری تهران

منصور ابافت یگانه*

The Necessity to Review a Concept: Identity Revision in Building Materials' Implementation in Urban Façade of Tehran

Abstract:

Taking a look at Tehran's façades, it is deduced that existence of variation and disorder of any kind in architecture style approach of urban façades, has created a type of bootlessness in cultural and social-architectural features and a kind of disconnection and disintegration with in concepts related to architecture in urban façade domain (legibility, visibility, cognition, sustenance, visual aestheticism). Whereas, considering the contemporary architecture structure to review the urban identity that requires "A Critical Approach" on impressive concepts and features in formation of architectural elements especially urban façades, it seems necessary that recognizing the hidden aspects of architecture works, particularly in a distinctive critical approach provides a possibility to review the visual identity in urban façades adapted to architectural identifying features. Meanwhile, it should be mentioned that it is within this critical approach stream where a relation between the architecture work as a sense and architect designer as an indicator can create a kind of artistic analysis and deduction where the critic's role can not be ignored in assessment process, however personal interest and thoughts affect revision of this concept. On the other hand, different grammar in architecture criticism especially for contemporary urban architecture which is plentiful of internal variables and external impressions and their interactive contradictions, necessitates the method and type of attitude toward the architecture work to be determined prior to criticism, analysis and critical assessment. Wherefore this lecture only investigates the existing urban façades of Tehran disregarding contemporary styles. Based on it, in this research in descriptive-analytic approach and in content and context analysis research method and through data collection resources (library, documentary and field work) attempt is made provide possibilities to present practical and strategic solutions and related programs via identification, assessment and evaluation of the existing position of Tehran's urban façades.

Keyword: Façade, Identity, Evaluation

چکیده:

با نگاهی به نماهای شهری تهران می توان دریافت که وجود تنوع و ناهمگونی در نماهای شهری در انواع رویکردهای سبکی معماری، نوعی بی هویتی در مولفه های فرهنگی و اجتماعی معماری و گونه ای عدم یکپارچگی و پیوستگی در مفاهیم مرتبط با معماری در حوزه نماهای شهری (خوانایی، نمایانی، ادراک ذهنی، تداوم و زیبایی شناسی بصری) را بوجود آورده است. از آن جا که پرداختن به ساختار معماری معاصر برای بازخوانی هویت شهری، نیازمند "اندیشه ای انتقادی" بر مفاهیم و مولفه های تاثیرگذار بر شکل گیری عناصر معماری و خاصه نماهای شهری است، پس لازم به نظر می رسد با شناخت زوایای پنهان آثار معماری، آن هم در رویکرد نقد مشخص، امکانی را برای بازخوانی هویت بصری در نماهای شهری در انطباق با مولفه های هویت بخش معماری، فراهم کرد. در عین حال باید اشاره کرد که در جریان این رویکرد انتقادی است که ارتباطی بین اثر معماری بعنوان مدلول و طراح معمار به مثابه دال می تواند گونه ای از تحلیل و استنتاج هنری را بوجود آورد که نمی توان نقش منتقد را در رویه ارزیابی نادیده گرفت، چنان چه ناخواسته دیدگاه و انگاره های فردی نیز در بازخوانی این مفهوم تاثیرگذار می شود. از سویی دیگر دستور زبان متفاوت در نقد معماری و خاصه معماری شهری معاصر که سرشار از متغیرهای درونی و متاثرهای بیرونی و تناقضات برهمکنش آن ها است، ایجاب می کند تا پیش از ورود به ساخت نقد یا تحلیل و ارزیابی انتقادی، نحوه و نوع نگرش به اثر معماری تعیین شود، حال آن که این گفتار تنها به بررسی نماهای موجود شهر تهران فارغ از سبک های معاصر می پردازد. بر این اساس در این تحقیق در رویکرد توصیفی-تحلیلی و در روش تحقیق تحلیل محتوایی و کالبدی و از طریق ابزار گردآوری اطلاعات (کتابخانه ای، اسنادی و تحقیق میدانی) تلاش می شود تا با شناسایی، ارزیابی و سنجش وضع موجود نماهای شهری تهران، امکان ارائه راه کارهای اجرایی و راهبردی و برنامه های اقدام مربوط، فراهم شود.

واژگان کلیدی:

نماهای ساختمانی، هویت، ارزیابی و بازنگری کیفی.

هر بنا یا شهری به میزانی زنده است که به راه بی زمان ملتزم باشد. راه بی زمان روندی است که نظم را فقط از خود بر می آورد. این روند اکتسابی نیست، بلکه اگر بگذاریم خود روی می دهد.

(کریستوفر الکساندر)

مقدمه ، ضرورت و تبیین مساله:

هر بنا یا شهری تنها به میزانی زنده است که به راه بی زمان ملتزم باشد. راهی بی زمان که برگستره‌های فرهنگی و اجتماعی خود را می‌نماید تا با تکرار الگوهای ویژه از رویدادها در مکانی خاص عنصری هویت بخش در ساختار مکانی و زمانی باشد. تردیدی نیست که معماری و شهرسازی اصیل ایرانی بر پایبست ارزش‌هایی استوار است که هنوز پس از گذشت سالیان متمادی می‌تواند چنان بر دل نشیند که روح و روان آدمی را مرهمی باشد و علاوه بر پاسخگویی به جنبه‌های عملکردی سراچه دل را آذینی دوباره بخشد، فضایی که بقول "هولدرلین" انسان در آن شاعرانه می‌زید. فضای سنتی معماری و شهری شهرهای ایرانی واجد ارزش‌هایی است که ریشه در فرهنگ غنی ایرانی دارد و در گستره‌ای چند هزار ساله ما را به این فکر وامی‌دارد که این راه بی زمان ساختن با کدامین تساهل و تسامح رنگ باخته است، راهی بی زمان که بقول الکساندر نظم را از خود ما بر می‌آورد و اگر ما بگذاریم، خود روی می‌دهد. انقطاع فرهنگی، شک فرهنگی، از خود بیگانگی فرهنگی واژگانی است که در ساختار فرهنگی قابل شهود است و در معماری بوفور بچشم می‌خورد. در هر صورت در بی‌هویتی نماهای معماری امروز، تردیدی نیست و بایستی بر ارزش آفرینی فرهنگی در معماری و ساختار شهری همت گمارد. تکامل این ارزش‌ها، می‌تواند هویت بخش معماری ایران بشمار رود، هویتی که از تکرار مستمر الگوهای خاص از رویدادها در مکانی خاص ناشی می‌شود. بر این اساس التفات به این امر اهمیت دارد که می‌بایستی با رویکردی استراتژیک و در چشم‌اندازی بلند مدت به باز ساخت فرهنگی و هویتی در فضا و نماهای شهری همت گمارد و در بستر تعاون و همکاری عمومی میان نهادهای فرهنگی و شهرسازی این مهم را ممکن گردانید. تلاش این چشم‌انداز استراتژیک، باید بر این باشد که با شناسایی ضعف‌ها و ادراک قوت‌ها راهی را فراهم آورد که تهدیدهای امروز در ساختار ارزشی معماری و شهرسازی را به فرصت‌هایی تبدیل کند تا ما ترکی شایسته از نما و فضای شهری را برای آیندگان رقم زند. در این امر با نگاهی به نماهای شهری و التقاط‌گرایی

(Eclecticism) ناهنجار معماری امروز خود را بیشتر و بیشتر می‌نمایند. بر این اساس لازم است تا در راستای فرایند ارزیابی و بررسی نماهای شهری تهران برای ارایه راه کارهای پیشنهادی گام‌هایی برداشته شود که این مقاله بر این نکته تاکید دارد.

ضرورت تحقیق:

با نگاه به نماهای شهر تهران دریافت می‌شود که نوعی بی‌هویتی و عدم اصالت وجودی (با توجه به شرایط زمانی و مکانی موجود) و در عین حال عدم یکپارچگی بصری و دیداری در مولفه‌های مبانی هنری تجسمی یا شاخص‌های زیباشناختی و بطور اخص در معیارهای اجرایی معماری (مصالح ساختمانی و...) دیده می‌شود. بر این اساس ضرورت این تحقیق را بایستی در مفاهیم زیر مورد بازبینی قرار داد:

الف - ضرورت بازخوانی هویت یا تجدید روند هویت در نماهای کلان شهر تهران.

ب - ارایه راه کارهای راهبردی در برون رفت از بی‌هویتی در نماسازی شهری تهران.

پ - ارایه راه کارهای اجرایی در برون رفت از بی‌هویتی از وضع موجود و تدوین چارچوب مفهومی نماسازی شهری.

روش تحقیق:

در این تحقیق در راستای بررسی و ارزیابی نماهای شهری تهران برای ارایه راه کارهای اجرایی در برون رفت از بی‌هویتی در نماپردازی موجود از رویکرد توصیفی - تحلیلی در روش تحقیق تحلیل محتوایی - کالبدی بهره برده شده است، چنان چه با بررسی و تقسیم‌بندی نماهای شهری تهران در نوع بکارگیری مصالح و لوازم‌های ساختمانی، به بیان وجود نوعی ناهمگونی و عدم تجانس در ساختار نماهای ساختمانی شهر تهران می‌پردازد. علاوه بر این در بستر ارایه راه کارهای اجرایی این امر در مورد شهر تهران مورد مسیریابی (Roadmap Funding) و تهیه برنامه اقدام (Action plan) قرار می‌گیرد، هر چند که این داعیه را ندارد که می‌تواند تحقیقی جامع و در عین حال مانع در این باره قلمداد شود.

مفهوم (هویت) پس از يك دوره نادیده انگاری به آسانی بازیافتنی نیست و همین فقدان مفهوم است که امروزه به معضل بدل می‌شود.

(کریستین نوربری شولتز)

می‌شود (داوری اردکانی، ۱۳۷۵، ۱۹). کالهن نیز در باب هویت می‌گوید: هیچ مردم بی نامی نمی‌شناسیم، هیچ زبان و فرهنگی سراغ نداریم که بین خود و دیگری تمایز برقرار نساخته باشد، نوعی از شناسایی خویشتن که همواره نوعی ساختن محسوب می‌شود صرفنظر از این که تا چه حد همچون يك کشف احساس شود (کاستلز، ۱۳۸۰، ۲۳). هویت، فرآیند معناسازی بر اساس يك ویژگی فرهنگی است که بر دیگر منابع معنایی الویت دارد. معماری را می‌توان نمادی از تاریخ و گذشته دانست (حجت، ۱۳۷۲، ۶۱) که نمایانگر فرهنگ و ساخت اجتماعی يك قوم، فرهنگ یا نژاد خاص است که در بستری کالبدی و فضایی خود را می‌نمایند. بر اساس آن چه گفته شد، لازم است تا نماهای شهر نیز از نوعی همگونی و همسانی برخوردار شوند که این گفتار بر کاربرد مصالح ساختمانی در آنها می‌پردازد که در ادامه آورده می‌شود.

نماهای شهری و سبک‌های معماری:

از آن جا که پرداختن به معماری معاصر ایران برای جستاری بريك تقسیم‌بندی، نیازمند اندیشه‌ای انتقادی بر مفاهیم و مولفه‌های تاثیرگذار بر شکل‌گیری این مفاهیم است، می‌بایست با شناخت زوایای پنهان آثار معماری، آن هم در رویکرد نقد مشخص، امکانی را برای تقسیم‌بندی یا معادل‌یابی در معماری ایران در انطباق با معماری معاصر جهان فراهم کرد. در عین حال باید اشاره کرد که در جریان این رویکرد انتقادی است که فراشد ارتباطی بین اثر معماری بعنوان مدلول و طراح معمار به مثابه دال می‌تواند گونه‌ای از تحلیل و استنتاج هنری را بوجود آورد^۱ و بر این اساس است که نمی‌توان نقش منتقد را در رویه ارزیابی نادیده گرفت، چنان چه ناخواسته دیدگاه و انگاره‌های فردی نیز در تقسیم‌بندی آثار معماری تاثیرگذار می‌شود. از سویی دیگر دستور زبان متفاوت در نقد معماری و خاصه معماری معاصر که سرشار از متغیرهای درونی و متاثرهای بیرونی و تناقضات برهمکنش آن‌هاست، می‌طلبد تا پیش از ورود به ساحت نقد یا تحلیل و ارزیابی انتقادی، نحوه و نوع نگرش به اثر معماری تعیین شود که این امر در معماری معاصر ایران به دلیل گوناگونی سبکی یا نحله‌های فکری یا خوانش‌های ایرانی از جریان‌های معاصر مانند مدرنیسم^۲ یا پست مدرنیسم^۳ و "دیکانستراکشن"^۴ بررسی احتمالی را

ادبیات تحقیق:

هویت و شکل‌گیری هویت در معماری:

در ششمین کنفرانس پژوهش در شکل‌یابی هویت (SRIF 1999) گفتمانی در معنایابی برای هویت شکل گرفت تا امکان ارایه تعاریف مناسبی را فراهم کند که به یکپارچگی در معنا و مفهوم واژگان هویت منجر شود. ربر (۱۹۸۵)، هویت را مفهومی ذهنی و انگاشتی فردی می‌داند که فرد خویشتن را با آن انگارد و یا تلاش می‌کند تا آن گونه جلوه دهد. بارون و برون (۱۹۹۷)، هویت را شاکله‌ای ذهنی و روان‌شناختی می‌داند که بر نحوه رفتار انسان اثر می‌گذارد و با تغییر زمینه اجتماعی دچار دگرگونی می‌شود. مارشال (۱۹۹۲)، ناهماهنگی در تعاریف هویت را از آن رو می‌داند که هویت دارای سازواره‌ای است که دارای اجزای متعدد است و به این دلیل تبیین دقیق هویت و همگونی میان تعاریف دچار چالشی فراگیر می‌گردد. اریکسون نیز (۱۹۶۵)، کارکرد هویت را ایجاد هماهنگی میان تصور فرد از خویشتن به عنوان فردی بی‌نظیر و دارای ثبات در رویارویی با دیگران می‌داند. کلاپ (۱۹۶۹) نیز، بر این نکته اشارت دارد که هویت تمامی آن چه را در بر می‌گیرد که در گذر زمان و بصورت معتبر و خود بسنده به فرد انتساب داده می‌شود. در انطباق با مفهوم هویت اریکسون یعنی هویت در برابر سردرگمی در نقش، مارسا (۱۹۸۰-۱۹۶۰) مراحل را در سیر تطور هویتی شناسایی کرد که در آشفتگی هویت، زود هنگامی هویت و هویت مهلت خواه (ماس ۱۹۹۸)، می‌توان به آن‌ها اشارت کرد. واترمن (۱۹۸۲)، با بهره‌گیری از پژوهش‌های آدامز و فیچ (۱۹۸۶) و مونر و آدامز (۱۹۷۷)، به مراحل تحول هویت اشاره می‌کند که در حال چرخش و دگردیسی در مراحل هویتی سردرگم زود هنگام و مهلت خواه می‌باشد. فرهنگ نیز نظام‌های نمادین از گنجینه‌هایی شناختی از يك اجتماعی است که بدست نسل‌های پیشین استوار گردد و امروز را در دسترس فردی از آن اجتماع قرار می‌دهد (نولان، ۱۳۸۰، ۶۳). هویت نیز را الگوهای رفتاری منحصر بفردی می‌دانند که سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است (کاستلز، ۱۳۸۰، ۲۲) و بر این اساس برای مردمی که از زمینه فرهنگی دیگری هستند بیگانه می‌نماید (گیدنز، ۱۳۷۰، ۵۶). هویت خاص ذات احدیت است و مراد از ذات آن امر ثابت است و در مقابل غیریت مطرح



فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008

۳۱

۱- برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:
مهدوی نژاد (۱۳۸۴) آموزش نقد معماری. نشر به علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۳، صص ۷۵.
2-MODERNISM
3-POST MODERNISM
4-DECONSTRUCTION



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahrī
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19, Spring 2008

۳۲

5-LATE MODERN
6-NEW MODER
ARCHITECTURE

دچار چالش می‌کند. علاوه بر این، با نگاهی به تاریخ معماری معاصر ایران و بر همکنش آن با جریانات تجدد و فراتجدد، می‌توان دریافت که تأثیر این جریان‌ها در معماری، بطور کامل در انطباق با یک دوره تاریخی ویژه روی نمی‌دهد، چنانچه تجدد و فراتجدد را بقول اندیشه برخی شارحان آن‌ها نمی‌توان پایان یافته دانست. با این دیدگاه، ارزیابی معماری معاصر ایران یادآور این نکته نیز می‌شود که معماری ایران همانند دیگر شرایط اجتماعی یا مقتضیات فرهنگی، بطور کامل منطبق بر این جریان‌ها نمی‌شود، چنانچه مدرنیسم ایرانی - اگر بتوان چنین واژه‌ای را متصور شد - تنها جریانی رویه‌ای و بدون زیرساخت مدرنیته فرهنگی، شکل می‌گیرد و علاوه بر آن باید توجه داشت که در غرب ابتدا میل به نوآوری (مدرنیته) بعنوان یک زیربنا با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد و سپس نوگرایی (مدرنیسم) را می‌توان تجربه کرد که در نهایت به نوپردازی (مدرنیزاسیون) منتهی می‌شود. از سویی دیگر پست مدرنیسم غربی را پسامدرنیسم انتقادی بر مدرنیسم می‌دانند، در حالی که در ایران حتی نمی‌توان تعریفی آشکار از فراشدهای موجود و پیشامدهای آن در شرایط فرهنگی و اجتماعی مشاهده کرد. شاید به این دلیل باشد که معماران ایرانی به گونه‌ای خوانش از جریانات اجتماعی و فرهنگی مدرن و پست مدرن دست می‌زنند و بصورت خواسته یا ناخواسته، در چارچوب فکری خویش آثاری را خلق می‌کنند که نمی‌تواند تنها وابسته به یک سبک یا جریان فکری و اجتماعی باشد و یا سعی در همگون سازی و انطباق آن‌ها بر اساس موازین و معیارهای معماری ایرانی و یا تجدید هویت ایرانی در معماری، داشته باشد که نمونه آن در آثار معماری "اردلان" و "دببا" قابل شهود است. راست است که هر اثر معماری باید در شرایط خاص زمانی و بر اساس مولفه و مقتضیات تاریخی خود مورد نقد قرار گیرد و نمی‌توان نسخه‌ای جامع و مانع برای تقسیم بندی معماری معاصر پیچید. این امر با نگاهی محتوایی - ساختاری به معماری ایران بیشتر خود را نشان می‌دهد، چراکه هنگامی که مدرنیته فرهنگی به مثابه یک زیرساخت امکان وجود نمی‌یابد، نمی‌توان به بقین مدرنیسم را در ساختار هنری یا فرهنگی جامعه جستجو کرد، چنانچه آثار کامران دببا نوعی گذشته گرایی و منطقه گرایی دارد و به صرف این دو کار بست، نمی‌تواند به بقین در قالب یک جریان معماری محدود شود. در هر صورت، هر برهه تاریخی به فراخور زمان خویش تأثیراتی بر معماری و میزان "اندیشیدگی معماران" می‌گذارد و این تأثیرات و آشنایی با تحولات رایج معماری دنیا را نمی‌توان در خلق آثار معماری ایشان نادیده گرفت. دوران گذار از تجدد به

فراتجدد چالش گاه ارزیابی و تقسیم بندی معماری ایران بشمار می‌رود، بگونه‌ای که معماری مدرن متاخر با ادغام در شاخصه‌های بومی و منطقه‌ای گونه‌ای معماری مدرن متأثر از شاخصه‌های اقلیمی و بومی را بوجود می‌آورد که نمونه آن در معماری ساختمان هتل استقلال (هیلتون قبلی) و وزارت کار در خیابان آزادی قابل شهود است و تعیین دقیق آن‌ها در یک جریان دشوار می‌نماید. بر این اساس دهه ۶۰ شمسی به بعد را می‌توان دوران ظهور آشکار معماری پست مدرن دانست که به تبع شرایط فرهنگی و سیاسی، جلوه آشکارتری از شاخصه‌ها و معیارهای معماری فراتجدد را دارد، هرچند که نمونه‌های بارزی از نوعی قرائت از معماری پست مدرن نیز در آثار معماری این دوره دیده می‌شود. در دوران بعد از انقلاب نیز جدای از آثار معدود و در عین حال قابل ذکری از معماران صاحب نام ایرانی، آثار معماری رایج در ساختار شهری گونه‌ای از معماری بی ارزش و سرشار از آنگوری و فاقد معیارها و شاخصه‌های زیبا شناختی ارزیابی، دیده می‌شود که التقاط گرایی و سردرگمی در آنها قابل شهود است و تنها گریته برداری مبتذل و ناکارآمدی از معماری دوران فراتجدد را شکل می‌دهد. پیش از ارائه تقسیم بندی گونه شناسانه یا سبکی در معماری ایران باید به برخی موارد تأثیر گذار در چگونگی و چرایی این تقسیم بندی اشاره شود و بر این اساس است که می‌توان موارد زیر بیان کرد:

- ۱- با وجود هجوم جریان تجدد گرایانه غربی، به ایران نمونه‌های سرشار از معنا و تعالی بر اساس اصول حاکم بر معماری سنتی - بصورت کم و بیش - دیده می‌شود.
- ۲- بر اثر آشنایی معماران این دوران با روند جریان مدرنیسم غربی یا نوع جبر تاریخی و اقتضای زمانی، نمونه‌های خالصی از معماری مدرن که بر اساس اندیشه پیشگامان غربی این جریان، شکل گرفته است، در معماری معاصر ایران خود را جلوه می‌دهد.
- ۳- تلاش برای منطبق سازی این جریان با هویت ایرانی - که در حال کم رنگ شدن، خاصه در عرصه زمانی آن دوران می‌نمود - نخستین انگاره‌های معماران را برای دستیابی به نوعی قرائت جدید از معماری که در انطباق با ساختارهای ماهوی و یا سنتی معماری ایران باشد و بتواند وانموده‌های تاریخی و هویتی ایرانی را با نمونه‌های وارداتی ترکیب کند بوجود آورد، چنانچه در همین دوران می‌توان به کارهای مهندس فروغی، سیحون و آندره بلوک اشاره کرد که در برخی آثار آن‌ها نمونه‌هایی از نوعی خوانش ایرانی معماری مدرن، دیده می‌شود.
- ۴- بر اساس تقسیم بندی برخی از اندیشمندان می‌توان دوره‌های لیت مدرن^۵، پری مدرن یا نو مدرن^۶، را نیز که در



اساس، در دوران مدرن و ما به ازای آن در معماری ایران نمی توان نمونه های چندانی را در نماپردازی در ساختار شهری مشاهده کرد.

ب- نمای ساختمان در دوران فراتجدد:

دوران پست مدرن به همراه مفاهیمی مانند کولترالیسم فرهنگی، کثرت گرایی و دگراندیشی گونه ای معماری متکثر و چند جانبه را بوجود می آورد که در نهایت به اکلکتیزم (التقاط گرایی) منجر می شود. بر این اساس، در این دوران بدلیل گسترش نوع مصالح ساختمانی، چند صدایی در نوع آرا و افکار معماران و شکل گیری نوعی معماری مبتنی بر کثرت گرایی، انواع گوناگونی از نماهای شهری دیده می شود که می بایستی بر حسب نوع معیارهای انتقادی فراتجدد یا خوانش های زیبا شناختی، مورد ارزیابی قرار گیرند. در ادامه به بحث نماپردازی شهری در تهران و مصالح ساختمانی موجود در این بناها اشاره می شود تا امکان ارزیابی و بازبینی مفهومی و فنی نماهای شهری تهران فراهم گردد.

نماهای شهری و مصالح ساختمانی: معیارها و ارزیابی

عمده ترین تحولات در معماری معاصر ایران را می توان در ابتدای قرن ششمی حاضر، مصادف با تغییر حاکمیت از قاجاریه به پهلوی دانست که باز نمودهایی خاص در معماری ایران داشته است. تحولات چشمگیر این دوران در فرم ها و سبک های معماری، همراه با دگرگونی و دگردیسی در مصالح ساختمانی باعث شده است که گستره ای از انواع ساختمان های با نماهای متفاوت و ناهمگون بوجود آید. در این میان، پیشرفت تکنولوژی در ساخت و تولید مصالح ساختمانی با تبلیغات گسترده شرکت های مصالح ساختمانی تاثیر داشته است، چنان چه باید اذعان داشت، بدون تطبیق اقلیمی، فرهنگی و حتی ماهوی این مصالح به استفاده از این مصالح در ساختمان ها اقدام شده است. بر این اساس، می توان تقسیم بندی ویژه ای را برای کاربری مصالح ساختمانی در معماری معاصر ایران در نظر گرفت که دچار نوعی آشفتگی بیان در زبان معماری و گوناگونی جلوه های نمایی که گهگاه با شرایط اقلیمی و جغرافیایی ایران نیز همخوانی ندارد، شده است. علاوه بر آن رعایت نکردن اصول استفاده از این مصالح، نبود دانش کافی و نیروهای فنی ماهر و کاردان در اجرا، باعث ایجاد ناکارآمدی در نماهای شهری در ایران، خاصه در تهران شده است. در ادامه به تقسیم بندی ویژه ای در این باره اشاره می شود.

انطباق با اندیشه برخی شارحان معماری غربی است، راهم بر معماری ایران متصور شد.

۵- از آن جا که گاهی بکارگیری مولفه های بومی و منطقه ای یا تاریخ گرایی در آثار این دوران دیده می شود، می توان نوعی معماری منطقه ای^۶ و یا حتی اقلیمی را نیز در آثار این دوران یافت که گونه ای منطقه گرایی یا بوم گرایی را در معماری معاصر بوجود آورده اند.

۶- بتبع روند حاکم بر جامعه غربی و ظهور اندیشه های پست مدرنیستی که بر اساس اندیشمندی انتقادی در حوزه مدرنیسم غربی شکل گرفته است، نوعی جریان فراتجددی را در معماری ایران متصور می شود که این برهه را می توان چالش گاه ارزیابی یا بازنگری در حوزه اندیشه نقد معماری یا دوره گزینی تاریخی،^۸ دانست.

۷- از آن جا که دوران پست مدرن در ایران- اگر بتوان چنین واژه ای را متصور بود- نه از نقد مدرنیسم، بلکه مشابه با جریان تجدد ایرانی در قالب رویکردهایی روساختی در ایران مطرح می شود، و معماران ایرانی قصد در تعریف یا بازنمایی این تحولات تاریخی- به دلیل آشنایی و آگاهی از جریان معماری غربی- داشته اند، نوعی خوانش و قرائت جدید از معماری پست مدرن شکل می گیرد، چنان چه به جز در برخی نمونه های این معماری این دوران- و البته شاید بصورت ناخود آگاه معمار- ابتدا پلانی مدرن ترسیم می شد، آنگاه با برخی عناصر یا مولفه های خاص، قصد در تغییر آن به صورت معماری فراتجددی می شد.

۸- به فراخور زمان و ظهور معماری دیکانستراکشن، نوعی تقلید از این جریان معماری صورت می گیرد که تنها نمونه های اندکی که از لحاظ محتوایی- ساختاری قابل بحث باشد، در معماری و اسازی ایرانی دیده می شود.

در انطباق با وضع موجود نماهای شهری تهران می توان به مواردی چند اشاره داشت.

الف- نمای ساختمان در دوران تجدد:

از آن جا که در دوران مدرن در فرآیند خلق فضاهای معماری از ترکیب های حجمی و جابجایی احجام برای رسیدن به تناسبات و معیارهای مورد نظر طراح استفاده می شد، می توان دریافت که طراحی نماهای ساختمانی چندان مورد نظر نبوده است و تنها به ترکیب و کمپوزیسیون احجام خالص فرم ساختمان، در فرآیند طراحی توجه می شده است. از سویی دیگر، معماری مدرن نما را ساختاری برای زیبایی می دانسته است و شاید بر همین اساس بوده است که تزئین و یا هر گونه پرداخت نما در ساختمان را به کناری نهاد است. بر این

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹- بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008

■ ۲۳ ■



نماهای آجری:

آجر، از مصالح ساختمانی رایج در معماری گذشته ایران می باشد که در دوره سبکی معماری مدرن در اوایل قرن حاضر، مورد استفاده بوده است و تا اواخر معماری مدرن متاخر نیز، بعنوان مصالح رایج فراگیر در آثار معماری این دوران دیده می شود. دلیل این امر را در این نکته می توان یافت که در آن دوران، ترکیب در فرم و حجم های معماری بعنوان رویه غالب در طراحی معماری مد نظر قرار داشت، بدان گونه که با ترکیب های بی بدیل حجمی همراه شده است که نمونه های آن در آثار مهندس فروغی، غیایی و وارطان قابل مشاهده است.

نماهای سیمانی (رومی):

از آن جا که پوشاندن نماها با آجر در ساختمان های بلند مرتبه و چند طبقه دشوار می نمود، استفاده از روش سیمان شسته نمایی مورد توجه قرار گرفت. این روش، در اوایل قرن حاضر و در اواسط دهه ۳۰ شمسی مورد استفاده قرار گرفت که نمونه رایج آن را در معماری دانشگاه تهران، می توان مشاهده کرد. در این روش از پودرهای رنگی با رنگدانه های گوناگون استفاده می شود که پس از اندود شدن در نمای ساختمان با پاشیدن فشار آب بر نمای ساختمان و شسته شدن سیمان رویه نما، دانه های پودر سنگ در نما قرار می گیرد. برای جلوگیری از ترک اندود نما، شیاری افقی و عمودی با فواصل معین در نظر گرفته می شود که از حاشیه ای برای تزئین بصورت تیشه ای نیز، استفاده می شود. این روش در سال های اخیر نیز، خاصه در برخی شهرهای کشور مانند کرمان، یزد، قزوین و تهران دوباره رایج شده است.

نماهای سنگی:

استفاده از این روش از اواسط دهه ۴۰ شمسی رواج یافت که هنوز هم ادامه دارد. از آن جا که فراوری سنگ های صیقلی، هزینه زیادی را در بردارد، استفاده از سنگ های تراورتن رواج گرفت که جایگزینی برای سنگ های گرانیتی بشمار می رود. علاوه بر این، عدم دقت در اجرا و عدم تطبیق با شرایط محیطی و مکانی، باعث کاهش زیبایی و دوام این نماها شده است. برای استفاده از سنگ های صیقلی در نما، از روش "سیم اسکوپ" استفاده می شود که سنگ ها را از پشت با پیچ و سیم های با ضخامت مشخص، به بدنه ساختمان نصب می کنند. این روش، امروزه با ترکیب با دیگر روش های نماسازی، ارزش کارآمد خود را در معیارهای زیبا شناختی از دست داده است، علاوه بر این که در اجرا نیز بدلیل ظرافت

و دشواری فرایند اجرا گهگاه با سهل انگاری نیروهای فنی روبرو شده است.

نماهای پرده ای:

این روش از اواسط دهه ۵۰ شمسی در ایران خاصه تهران مورد رواج یافت که ریشه های آن را می توان در گفتمان بحران انرژی در غرب دانست. این روش، در ساختمان های تجاری و اداری بزرگ تهران در بلوار کشاورز و خیابان انقلاب مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش، از شبکه هایی با خطوط عمودی از پروفیل ها و قوطی های فلزی استفاده می شود که با پانل هایی که از طرف بیرون با ورق های آلومینیوم، شیشه های رنگی یا ورق های آلبستی پوشانده می شود. وجه تسمیه این نام را در این نکته می دانند که این پوشش، مانند پرده از نمای اصلی ساختمان آویزان می شود. این روش بدلیل دشواری تجدید رنگ در نماهای پرده ای با پوشش شیشه های رنگی، و یا دشواری در اجرا، تا حدودی اهمیت خود را از دست داده است.

نماهای بتنی:

این روش در اواسط دهه ۶۰ مورد توجه قرار گرفت که به عنوان جایگزینی برای نماهای پرده ای بشمار می رفت. در این روش از نماهای پیش ساخته (پره فابریکه) بتنی استفاده می شد که نمونه های آن در نماهای ساختمانی تهران قابل مشاهده است.

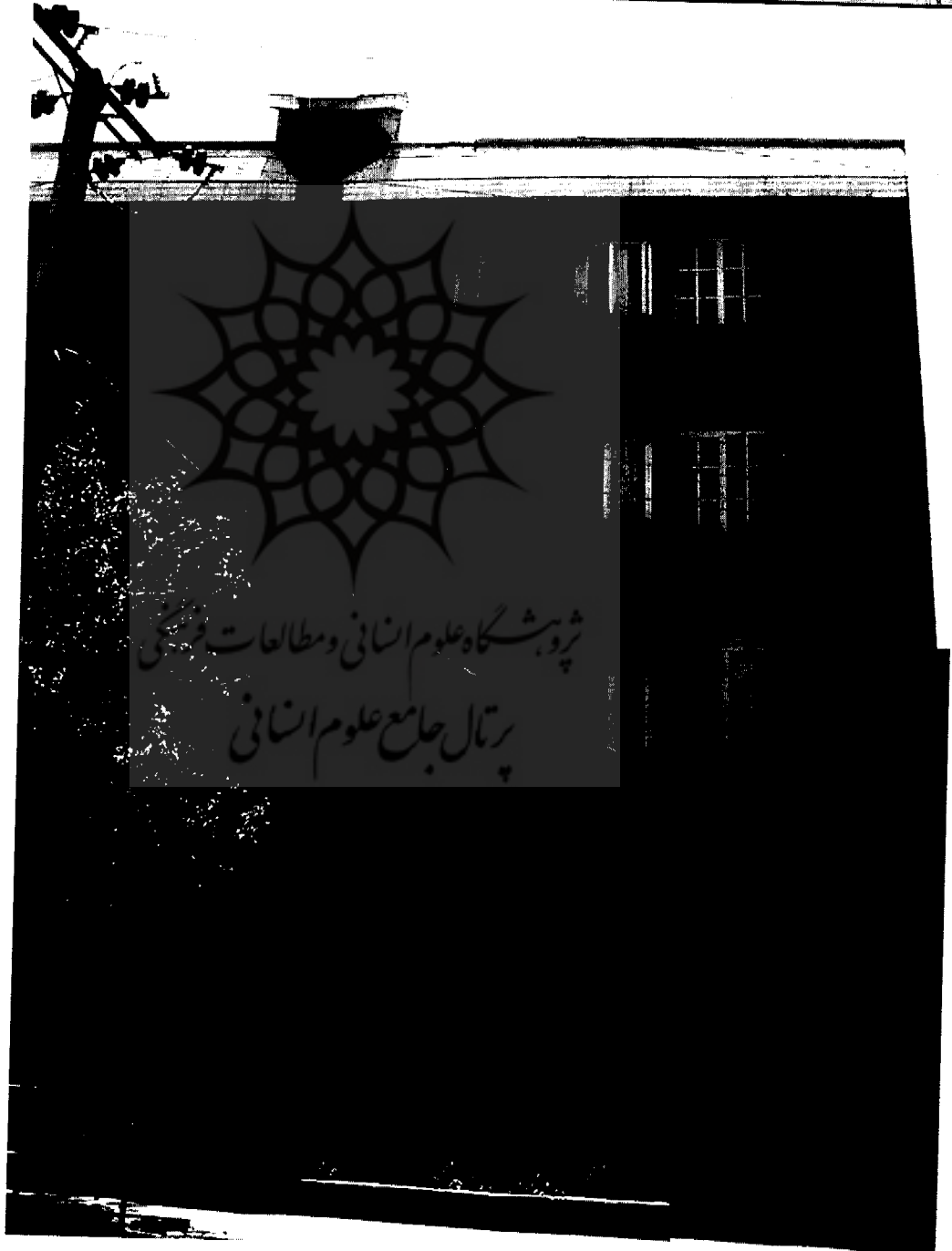
نماهای شیشه ای:

این روش، در اواسط دهه ۷۰ شمسی در ایران مورد توجه قرار گرفت که هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرد. در این روش نماسازی، نمای ساختمان بطور کامل با شیشه و پروفیل پوشانده می شود که جنبه کاملاً وارداتی و ناهمگون با شرایط اقلیمی و جغرافیایی ایران دارد. از آنجا که در این روش نمای ساختمان با شیشه پوشانده می شود، هیچ گونه همگونی با شرایط اقلیمی ایران (آب و هوا، تابش آفتاب و شرایط بیوکلیماتیک) ندارد که نامناسب ترین روش در نماسازی در ایران و خاصه تهران، بشمار می رود. متأسفانه این روش کاربرد گسترده ای یافته است که تنها نشان از فراگیری تبلیغات شرکت های عرضه این محصولات و عدم التفات معماران ایرانی به ناکارآمدی های این روش دارد. علاوه بر این، در هنگام اجرا نمای ساختمان (شیشه نما) شاقولی نمی شود، چنان چه پس از انعکاس، تصاویر را بصورت خارج از فرم (کج و معوج) جلوه می دهد. در ضمن



هزینه و زمان نظافت و پاکیزگی این نماها، بسیار بالا
 این روش، از اوایل دهه ۸۰ شمسی با گسترش شرکت‌های
 وارد کننده پوشش‌های آلومینیومی رواج یافته است که
 برآورد می‌شود.

نماهای ساختمانی	
نوع نما	آجری
<p>آجری، از مصالح ساختمانی رایج در معماری گذشته ایران می‌باشد که در دوره سبکی معماری مدرن در اوایل قرن حاضر مورد استفاده بوده است و تا اواخر معماری مدرن متاخر نیز، بعنوان مصالح رایج فراگیر در آثار معماری این دوران دیده می‌شود. دلیل این امر را در این نکته می‌توان یافت که در آن دوران ترکیب فرم و حجم‌های معماری بعنوان رویه غالب در طراحی معماری مد نظر قرار داشت، بدانگونه که با ترکیب‌های بی‌بدیل حجمی همراه شده است.</p>	



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Modiriyat Shahri
 شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
 NO.19. Spring 2008
 ■ ۲۵ ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



نماهای ساختمانی	
نوع نما	سیمانی (رومی)
<p>از آنجا که پوشاندن نماها با آجر در ساختمان‌های بلند مرتبه و چند طبقه دشوار می‌نمود، استفاده از روشن "سیمان شسته نمایی" مورد توجه قرار گرفت. این روش، در اوایل قرن حاضر و در اواسط دهه ۳۰ شمسی مورد استفاده قرار گرفت که نمونه رایج آن را در معماری دانشگاه تهران، می‌توان مشاهده کرد. در این روش از پودرهای رنگی یا رنگدانه‌های گوناگون استفاده می‌شود که پس از اندود شدن در نمای ساختمان با پاشیدن فشار آب بر نمای ساختمان و شسته شدن سیمان رویه نما، دانه‌های پودر سنگ در نما قرار می‌گیرد. برای جلوگیری از ترک اندود نما، سیارهایی افقی و عمودی با فواصل معین در نظر گرفته می‌شود که از حاشیه‌ای برای تزئین بصورت تیشه‌ای نیز، استفاده می‌شود. این روش در سال‌های اخیر نیز، خاصه در برخی شهرهای کشور مانند کرمان، یزد، قزوین و تهران دوباره رایج شده است.</p>	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Modiriyat Shahri
 شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
 NO.19. Spring 2008

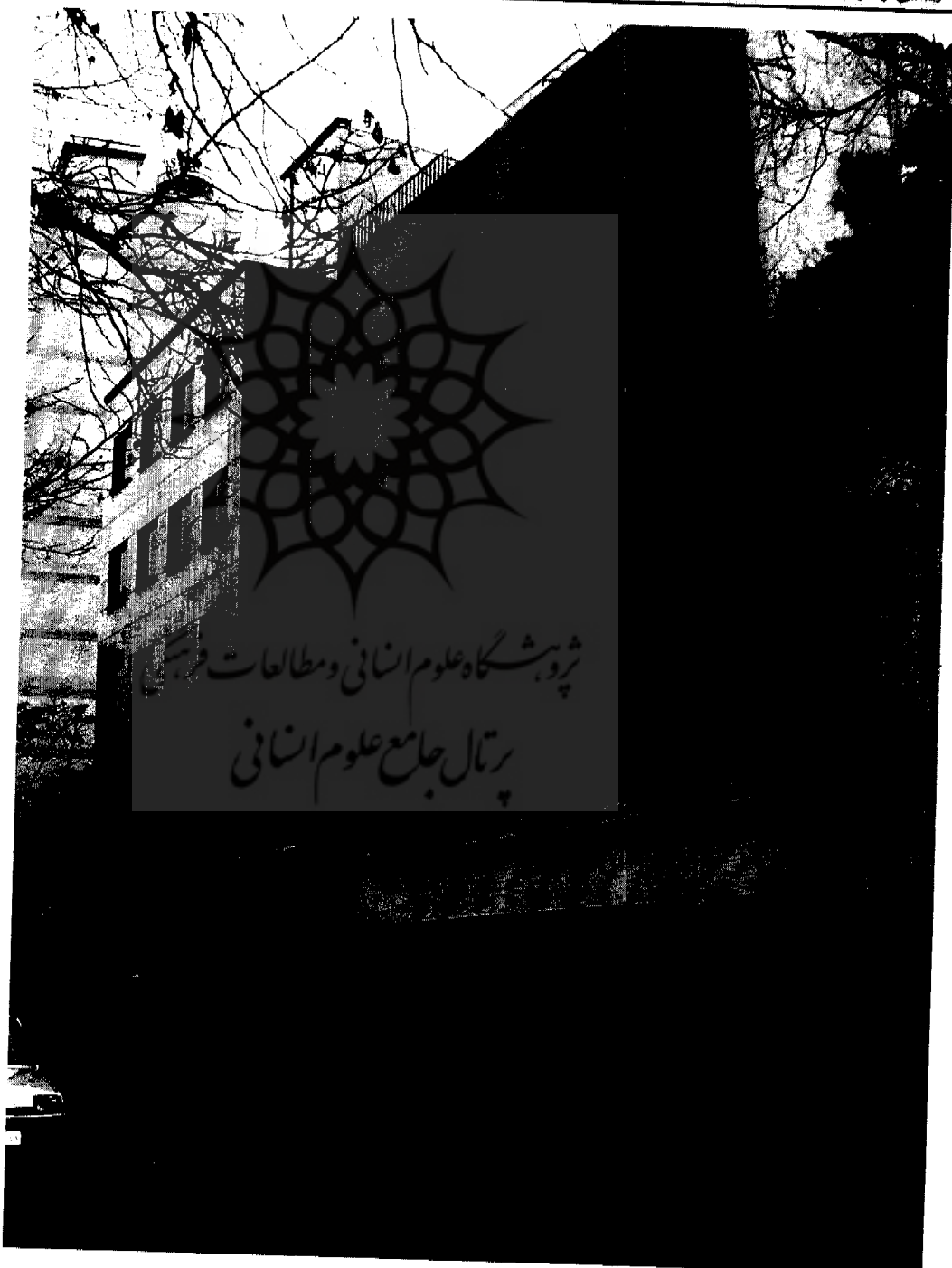
■ ۳۶ ■

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مرکز جامع علوم انسانی





نماهای ساختمانی	
سنگی	نوع نما
<p>استفاده از این روش از اواسط دهه ۴۰ شمسی رواج یافت که هنوز هم ادامه دارد. از آنجا که فراوری سنگهای صیقلی، بهزینه زیادی را در بر دارد، استفاده از سنگهای تراورتن مورد رواج قرار گرفته است که جایگزینی برای سنگهای گرانیتی بشمار می‌رود. علاوه بر این، عدم دقت در اجرا و عدم تطبیق با شرایط محیطی و مکانی، باعث کاهش زیبایی و دوام این نماها شده است.</p>	



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Modiriyat Shahri
 شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
 NO.19. Spring 2008

■ ۳۷ ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



نماهای ساختمانی	
نوع نما	پرده ای
<p>این روش از اواسط دهه ۵۰ شمسی در ایران خاصه تهران مورد رواج یافت که ریشه های آن را می توان در گفتگومان بحران انرژی در غرب دانست. این روش ، در ساختمان های تجاری و اداری بزرگ تهران در بلوار کشاورز و خیابان انقلاب مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش، از شبکه هایی با خطوط عمودی از پروفیل ها و قوطی های فلزی استفاده می شود که با پانل هایی که از طرف بیرون با ورق های آلومینیوم، شیشه های رنگی یا ورق های آریستی پوشانده می شود.</p>	



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Modiriyat Shahri
 شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
 NO.19. Spring 2008



نمای بیتی	
نمای بیتی	نوع نما
[Faded Persian text, likely a list of entries or titles]	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008

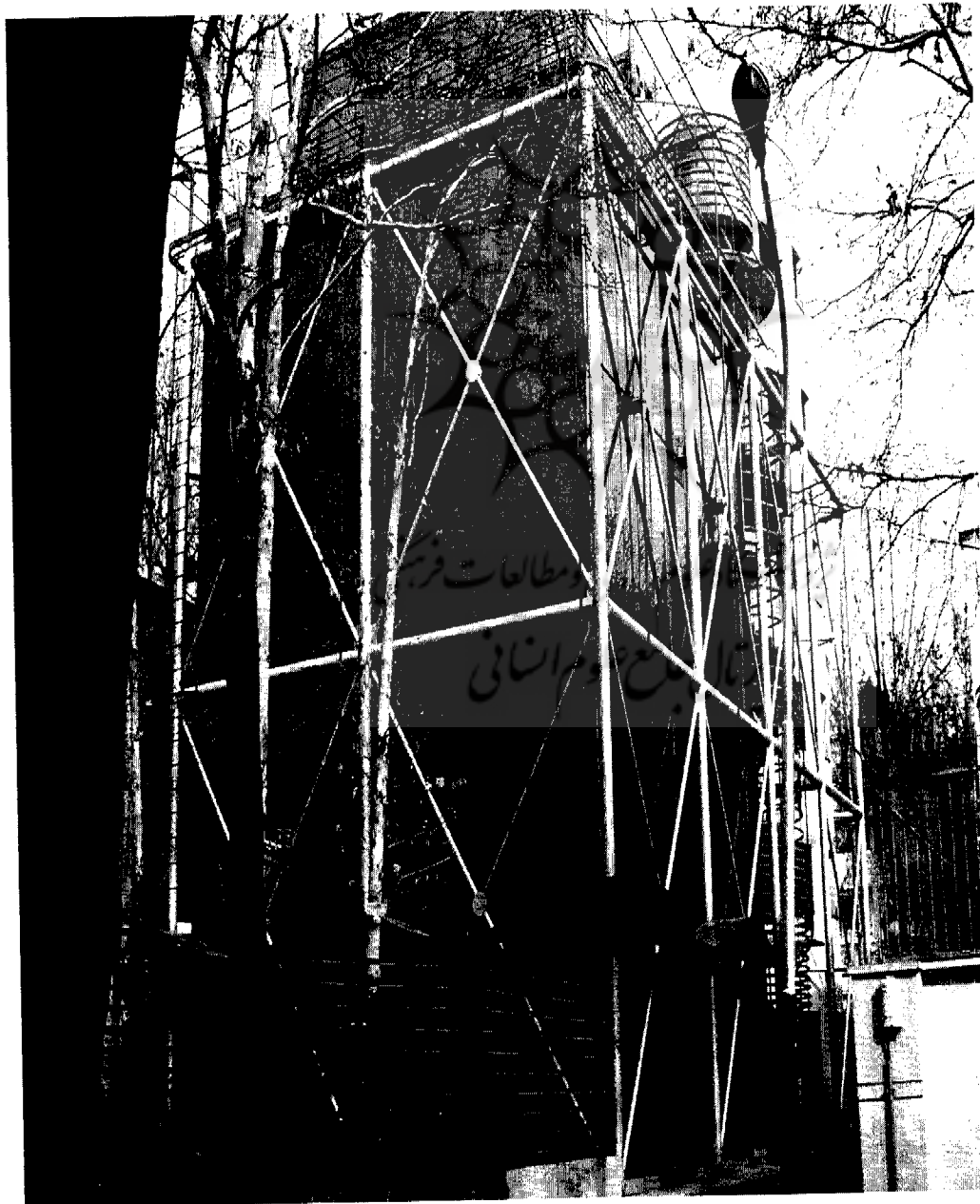
■ ۳۹ ■



علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز جامع علوم انسانی



نماهای ساختمانی	
نمای شیشه ای	نوع نما
<p>این روش، در اواسط دهه ۷۰ شمسی در ایران مورد توجه قرار گرفت که هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرد. در این روش نماسازی، نمای ساختمان بطور کامل با شیشه و پروفیل پوشانده می شود که جنبه کاملاً وارداتی و ناهمگون با شرایط اقلیمی و جغرافیایی ایران دارد. از آنجا که در این روش نمای ساختمان با شیشه پوشانده می شود، هیچ گونه همگونی با شرایط اقلیمی ایران (آب و هوا، تابش آفتاب و شرایط بیوکلیماتیک) ندارد.</p>	



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008



نماهای ساختمانی	
نمای آلومینیومی	نوع نما
<p>این روش از لحاظ هزینه ۸۰ درصد کمتر از سایر روش‌های نمای ساختمانی بوده که به روش آلومینیومی در این مقاله اشاره شده است. نمای آلومینیومی علاوه بر ساختمان‌های تجاری و اداری در بهرزه‌های بسیار مهم و در جاهایی که نیاز به دوام و زیبایی است به روش آلومینیومی نمای ساختمان فرودگاه و ترمینال‌های آلومینیومی و همچنین در نمای ساختمان‌های دولتی و دولتی و غیره به خوبی به کار می‌رود.</p>	



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Modiriyat Shahri
 شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
 NO.19. Spring 2008



ترکیب نماهای ساختمانهای شهری	
ماهیت ترکیب	عدم تجانس مصالح ناهمگونی و عدم تناسب فرم کنتراست و تضاد در نمای شهری عدم اتصال و همبستگی بصری



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008

■ ۴۲ ■

ژوئیه شکاره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کشور تلاش شود تا سند چشم‌انداز نماهای شهری کلان شهری کشور تنظیم شود و پس از ارزیابی‌های کارشناسی مورد استفاده قرار گیرد و در واقع از التزام اجرایی برخوردار شود. بر این اساس در راستای چاره‌جویی در این زمینه و با التفات به نوگرایی نسل جوان لازم است تا بیانیه چشم‌انداز نماهای شهری در دستور کار شهرداری و نهادهای مطالعاتی وابسته قرار گیرد. در ادامه به برخی از راهکارها و برنامه‌های اقدام مربوط در جدول زیر اشاره می‌شود. امید که از طریق هم‌اندیشی صاحب‌منظران این امر در دستور کار عملی نهادهای مسوول قرار گیرد تا سیمای شهری کشور بهبود کیفی و بصری یابد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahri
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
NO.19. Spring 2008

■ ۴۳ ■

بعنوان نمای غالب اکثر ساختمان‌های تجاری و اداری در تهران بشمار می‌رود. از برتری این روش نسبت به روش قبلی، می‌توان به امکان فرم‌دهی ورق‌های آلومینیومی و تنوع نمایی بیشتر اشاره کرد که با دشواری اجرا و نیاز به نیروی فنی ماهر و کاردان همراه می‌شود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی:

با توجه به آن چه گفته شد، نماهای شهری تهران به دلایل گوناگون مانند افزایش ورود مصالح ساختمانی جدید از خارج کشور و ثبت و گسترش شرکت‌های واردات مصالح از یک طرف و تبلیغ این مصالح ناهمگون با ساختار اقلیمی، فرهنگی و طبیعی ایران و خاصه تهران در رسانه‌های ارتباط جمعی از سوی دیگر، از نوعی بی‌هویتی و زیبایی‌شناسی بصری برخوردار شده‌اند که لازم است تا با تدوین سند چشم‌انداز نماهای شهری تهران در راستای این مهم، گام‌هایی برداشته شود. علاوه بر این، لازم است تا این آگاهی به معماران و مولفه‌های تاثیرگذار در بازار ساخت و ساز مسکن شهری داده شود که بکارگیری هر نوع مصالح ساختمانی بایستی با شرایط اقلیمی، جغرافیایی و طبیعی آن سرزمین منطبق باشد و بر همین اساس است که نمی‌توان انتظار داشت تا مصالحی که در بازارهای ساخت و ساز در خارج از کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، منطبق با شرایط اقلیمی و بیوکلیماتیک این سرزمین نیز باشد. علاوه بر این، لازم است تا میزان آگاهی مردم و کارفرمایان خصوصی و ادراک شهروندان و عموم مردم از معماری معاصر ایران ارتقاء داده شود تا گروه‌های مرتبط با صنعت ساخت و سازهای شهری دریابند که نباید به تقلید در بکارگیری مصالح ناهمگون و ناهم‌ساز با ساختار فرهنگی، اقلیمی و طبیعی ایران و خاصه کلان‌شهر تهران پرداخت. این امر می‌طلبد تا با هم‌اندیشی معماران، شهرسازان و دیگر متخصصان ساخت و ساز شهری و از طریق همکاری ارگان‌ها، نهادهای سازمان‌های مربوط با ساخت و ساز شهرهای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تال جامع علوم انسانی



ماهیت راهکار	برنامه اقدام (Action plan)
<p>تدوین چشم انداز جامع درباره نماهای شهری تهران در سند جامع چشم انداز نماسازی کلان شهری ایران.</p>	<p>تدوین چشم انداز بلند مدت طراحی نماهای شهری تهران تهیه برنامه اقدام کوتاه و میان مدت مربوط به تدوین سند تبیین چارچوب بودجه ریزی و تخصیص منابع مالی شناسایی ارگان‌های مربوط و ایجاد سازمان متولی مستقیم در نماهای شهری تهران.</p>
<p>ضرورت اجتهاد هر یک از معماران در هنگام طراحی و اجرای پروژه‌های ساختمانی بر اساس معیارها و شاخص‌های معماری اصیل ایرانی</p>	<p>ایجاد فرصتهای تامل فکری در معماران در قالب هریک از پروژه‌های واقعی اجرایی برگزاری نشست‌های مرتبط با موضوع تحقیق برای معماران و متولیان شهری تعیین شاخص‌ها و سنجش‌های قابل اجتهاد در وضع موجود معماری معاصر ایران.</p>
<p>استفاده از رویکردهای مشارکتی (Participation Approach) در فرایند طراحی ساخت و اجرای نماهای شهری</p>	<p>سهیم کردن شهروندان در مراحل تدوین فرایند استراتژیک چشم انداز جامع نماهای شهری کلان شهری ایران. برخورداری از نظرات و همکاری مردم در نماسازی شهری.</p>
<p>دخیل کردن مردم بعنوان ذی نفعان (stakeholder) پروژه‌های معماری.</p>	<p>التفات به نقش مردم و کاربران در پروژه‌های معماری (Social Architecture). رویکرد مشارکتی و نگاه به مردم بعنوان شریک و همکار (Partner) در طراحی و اجرای نماهای شهری بطور اخص و معماری و فضاهای شهری بطور اعم. برگزاری سلسله نشست‌های هم اندیشی معماران و مردم در طراحی نماهای بناهای عمومی شهری و فضاهای شهری متعلق به عامه مردم بالا بردن میزان آگاهی مردم و ارتقاء سطح ادراکی ایشان از نماسازی و اصول و شاخص‌های این مفاهیم در سطوح کلان شهری ایران.</p>
<p>تدوین دروس مرتبط با ادراک و مبانی نماسازی و نماپردازی در مدارس و دانشکده‌های معماری.</p>	<p>تدوین چارچوب درسی جدید در آموزشگاه و دانشکده‌های معماری. ارائه مفاهیم فکری و فلسفی مرتبط با شرایط فعلی معماری جهان و التفات دانشجویان به ضرورت تطبیق مکتب‌ها و جریان‌های معماری جهان با وضع موجود معماری ایران.</p>
<p>ضرورت توجه دادن دانشجویان معماری به رعایت موازین همگون سازی فرهنگی و پرهیز از تقلید جریان‌های معماری معاصر جهان.</p>	<p>تدوین مقالات کتب و تالیفات مرتبط با موضوع و قابل استفاده برای دانشجویان در قالب تبیین اهداف کلان سند چشم انداز نماهای شهری در ایران.</p>

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriyat Shahr
شماره ۱۹ - بهار ۱۳۸۷
No.19. Spring 2008



ماهیت راهکار	برنامه اقدام (Action plan)
اضافه نمودن دروس کارگاهی در ساخت نما در پروژه های عملی کارگاهی با بستن قرارداد میان کارفرمایان واقعی و دانشکده های معماری و شهرسازی.	تدوین و ارائه دروس مرتبط
راهکارهای اجرایی	
حوزه راهکارهای اجرایی	برنامه اقدام (Action plan)
آموزش معماری و شهرسازی.	وجود دوره های آموزشی بر اساس متدولوژی استاد _ شاگردی.
آیین نامه و استانداردهای معماری و شهرسازی.	تدوین آیین نامه های اجرایی در نماسازی و ناپردازی التزام اجرایی در التفات به نماهای ساختمانی در پروژه های معماری. ضرورت تصویب نماهای ساختمانی در هنگام اخذ مجوزهای شهرداری.
آموزش عمومی و همگانی.	بالا بردن ادراک مردم از معماری و فهم بهتر شاخص ها و معیارهای ارزشی معماری. از طریق رسانه های گروهی نشست های مردمی و بحث های روز. معرفی بناهای فاخر معماری و نماهای وابسته با کیفیت بالای محتوایی و زیبا شناختی در معماری.
فضای معماری و کارگاه های اجرایی.	استفاده از نیروهای متخصص در ارگان های مربوطه در ترسیم فضاهای کاری و شرایط آینده (شهرداری شورای شهر و ...). ضرورت برگزاری همایش ها و نشست های هویت یابی در معماری و شهرسازی با شرکت متخصصین و نیروهای کاردان.

منابع و ماخذ:

- ۱- آزیرون، پیترو. (۱۳۷۹)، مدرنیته از گذشته تا حال. مترجم: حسینعلی نوذری، مدرنیته و مدرنیسم، صص ۷۲-۷۳.
- ۲- کانر، استیون. (۱۳۷۹) پست مدرنیسم نفی فراواقعیت ها. مترجم: حسینعلی نوذری، پست مدرنیته و پست مدرنیسم، صص ۵۲-۵۳.
- ۳- قره باغی، علی اصغر. (۱۳۷۸) تبارشناسی پست مدرن. مجله گلستانه شماره ۷، صص ۵۰-۵۲.
- ۴- پینکنی، تونی. (۱۳۷۹) مدخلی بر تعریف مدرنیسم. مترجم: حسینعلی نوذری، صص ۵۳.
- ۵- دومن، پل. (۱۳۷۳) تمثیل و نماد. مترجم میترا رکنی، مجله ارغنون، شماره ۲، صص ۸۰-۸۳.
- ۶- گفتگو با نجف دریابندری. از مدرنیسم تا پست مدرنیسم - از معماری تا ادبیات. روزنامه آزادگان، ۱۳۷۸/۹/۲۹.
- ۷- جنکز، چارلز. (۱۳۷۴) پست مدرنیسم چیست؟ مترجم: فرهاد مرتضایی. مشهد نشر مرنديز، صص ۱۵.
- ۸- قره باغی، علی اصغر. (۱۳۷۸) تبارشناسی پست مدرن. مجله گلستانه شماره ۷، صص ۵۰-۵۲.
- ۹- قره باغی، علی اصغر. (۱۳۷۸) تبارشناسی پست مدرن. مجله گلستانه شماره ۷، صص ۵۰-۵۲.
- ۱۰- نوذری، حسینعلی. (۱۳۷۹) صورتبندی مدنیت و پست مدرنیته. تهران. انتشارات نقش جهان، صص ۱۵۰.
- ۱۱- پاول جیم. (۱۳۷۹) پست مدرنیسم برای مبتدیان. مترجم: حسینعلی نوذری. تهران. نشر نظر چاپ اول.
- ۱۲- بنینگتون ژئوفری. (۱۳۷۷) معقولیت نسبت پست مدرن. مترجم: سید موسی دیباج. کتاب فلسفه در معماری تهران. انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی صص ۵۷-۷۷.
- ۱۳- بحرینی حسین. (۱۳۷۸) تجدد و فراتجدد تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- پاکباز رویین. (۱۳۷۸) پست مدرنیسم دایره المعارف هنر تهران. نشر فرهنگ معاصر صص ۱۲۷.
- ۱۵- حنکر چارلز. (۱۳۷۴) مرگ برای تولدی دیگر. مترجم:



- فرزانه طاهری مجله آبادی شماره ۱۶ صص ۴۶-۵۵.
- ۱۶- جنکز چارلز. (۱۳۷۲) وراي پست مدرنیسم مترجم: مجید احمدیان مجله آبادی. شماره ۸ صص ۲۲-۲۷.
- ۱۷- حریری ناصر. (۱۳۷۷) ذوق یا نمایش ذوق گفتگو با نجف دریابندری تهران. نشر کارنامه.
- ۱۸- طباطبایی جواد. (۱۳۷۷) سنت مدرنیته پست مدرن. مجله راه نوسال اول شماره ۸ صص ۱۸-۲۴.
- ۱۹- اتینگهاوزن، مایرز، اسپرتیو و جنتیلی. (۱۳۷۴) تاریخچه‌ی زیبایی‌شناسی و نقد هنر. مترجم: یعقوب آژند. تهران. انتشارات مولی.
- ۲۰- گروتو، یورگ. (۱۳۷۵) زیباشناختی در معماری. مترجم: جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۱- کروچه، بندتو. (۱۳۵۸) کلیات زیباشناسی. مترجم: فواد روحانی. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۲- وزیری، علینقی. (۱۳۳۸) زیباشناسی در هنر و طبیعت. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۳- پین، مایکل، کلان، دریدا و کریستوا. (۱۳۸۰) مترجم: پیام یزدانجو. تهران. نشر مرکز.
- ۲۴- ضمیران، محمد. (۱۳۷۹) زاك دریدا و متافیزیک حضور. تهران. انتشارات هرمس.
- ۲۵- حقیقی، شاهرخ. (۱۳۷۹) گذار از مدرنیته. نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا. تهران. نشر آگه.
- ۲۶- محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۵) معماری دیکانستراکشن. اصفهان. هنرهای پارسی. سال دوم، شماره ۸.
- ۲۷- محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۵) زیبایی‌شناسی در معماری و اساسی. تهران. نشریه مسکن و انقلاب، تابستان ۱۳۸۵.
- ۲۸- محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۵) معماری فراکتالی. مشهد. نشریه پیام مهندس. مرداد و شهریور ۱۳۸۵.
- ۲۹- محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۵) زیبایی‌شناسی در معماری، اصفهان. نشریه هنرهای پارسی، سال دوم، شماره ۹.
- ۳۰- قره باغی، علی اصغر. تبارشناسی پست مدرنیسم. تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۳۱- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی، مترجم: مهرداد قیومی بیدهندی، با مقدمه مهدی حجت. تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳۲- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰) عصر اطلاعات. اقتصاد، جامعه و فرهنگ. مترجم: حسن چاوشیان. تهران. انتشارات طرح نو.
- ۳۳- (۱۳۷۵) حکایت کشف حجاب. تهران. موسسه فرهنگی قدر ولایت.
- ۳۴- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی. مترجم: منوچهر صبوری. تهران. نشر نی.
- کورز، لوئیس آلفرد. (۱۳۷۸) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی. مترجم: فرهنگ ارشاد. تهران. نشر نی.
- ۳۵- (۱۳۷۴) ستیز با تهاجم فرهنگی غرب. تهران. دفتر سیاسی عقیدتی فرماندهی مقاومت معظم کل قوا.
- ۳۶- سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج سپاه. (۱۳۷۹) تهاجم فرهنگی از دیدگاه سیاسی. تهران. موسسه فرهنگی انتشاراتی آیه.
- ۳۷- سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج سپاه. (۱۳۷۹) تهاجم فرهنگی از دیدگاه تاریخ. تهران. موسسه فرهنگی انتشاراتی آیه.
- ۳۸- روسک، جوزف و رولند وارن. (۱۳۵۵) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی. مترجم: بهروز نبوی و احمد کریمی. تهران. نشر فروردین.
- (۱۳۷۵) رویارویی فرهنگ ایران و غرب در دوره معاصر. تهران. انتشارات سروش.
- ۳۹- (۱۳۷۱) واقعه کشف حجاب. به اهتمام مرتضی جعفری. با مقدمه رضا شعبانی. تهران. سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۴۰- رجایی، فرهنگ. (۱۳۷۳) معرکه جهان بینی‌ها، در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان. تهران. شرکت انتشارات احیاء کتاب.